

نصرالله صالحی

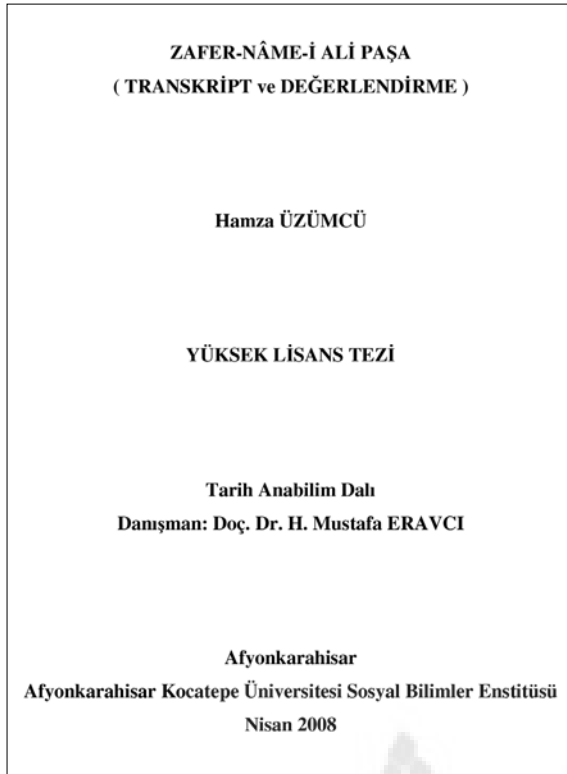
نظامی قزلباشان وارد کند، به صلاح‌حیدر فرهاد پاشا فرمانده لشکر عثمانی در قفقاز، در فکر گشودن جبههٔ نبرد دیگری در منطقهٔ عراق عرب بر ضد صفویان افتاد. فرهاد پاشا بعد از تصرف ایروان، به بیگلربیگی بغداد و شهرزور فرمان داد تا برای ممانعت از تجمع و تمرکز قزلباش‌ها در مرزهای عراق عرب شروع به حمله کنند. بنا به فرمان فرهاد پاشا، الوندزاده علی پاشا، به همراه لشکر بغداد بعد از سرکوب حاکم عراق عرب، امیرسجاد،^۴ در ۹۹۱ق به عشایر مرزی ایران حمله کرد و آن‌ها را شکست داد. همچنین در همان سال مناطقی از خوزستان نظیر هویزه، کمال‌آباد، شوش و مشکوک (?) را از دست صفویان خارج ساخت.^۵ این پیروزی‌ها موجب خشنودی دولت عثمانی و قوت قلبی برای فرهاد پاشا بود. فرهاد پاشا نیز در پرتو یورش‌های پیروزمندانۀ الوندزاده در عراق عرب و خوزستان، با فراغ‌بال موقعیت قوای عثمانی در مناطق اشغال‌شدهٔ قفقاز را تثبیت کرد و دست به آماده‌سازی قوا برای حمله به گرجستان و مناطق دیگر زد. یورش‌های الوندزاده به مرزهای ایران در قلمرو خوزستان، به فتوحات لشکر عثمانی در بقیهٔ مناطق قفقاز نظیر گرجستان کمک مؤثری کرد و تا زمان انعقاد عهدنامهٔ فرهاد پاشا در ۹۹۸ق این روند ادامه یافت.

در این شماره به یکی دیگر از نویسندگان عثمانی می‌پردازیم که اثری دربارهٔ برخوردهای ایران و عثمانی از خود به جا گذاشته است. شخصیت مذکور، نیازی نام دارد. او از کاتبان دیوان عثمانی بود،^۱ با این حال در منابع آگاهی اندکی دربارهٔ او وجود دارد؛ زیرا در تذکره‌ها و نیز در اثر خود وی، یعنی ظفرنامهٔ علی پاشا، آگاهی در خور توجهی نمی‌توان یافت. او در مقدمهٔ ظفرنامه، خود را «فقیر خاکسار نیازی زار زار» معرفی می‌کند. مهم‌ترین اثر باقیمانده از او ظفرنامهٔ علی پاشا تألیف ۹۹۲ق است. نیازی در ۹۹۱ق در دیوان عسکری عثمانی کاتب بود و در سال‌هایی که الوندزاده علی پاشا مقام بیگلربیگی بغداد را برعهده داشت، به عنوان کاتب در خدمت او بود. الوندزاده علی پاشا (ف ۱۰۰۷ق) در فاصلهٔ سال‌های ۹۸۲ تا ۹۹۹ق و نیز در ۱۰۰۷ق دوبار مقام بیگلربیگی بغداد را برعهده داشت.^۲ نیازی که به عنوان کاتب شخصاً در جنگ‌های الوندزاده با صفویان حضور داشته به دستور او شرح جنگ‌های ایران و عثمانی در ۹۹۱ق را در ۹۹۲ق به رشتهٔ تحریر درآورده است.

دولت عثمانی در حالی که در دورهٔ مراد سوم (حک: ۹۸۲-۱۰۰۳ق) به تجاوزات و حملات خود در منطقهٔ قفقاز بر ضد صفویان ادامه می‌داد،^۳ برای اینکه فشار بیشتری به قوای نیازی، برگ ۵۸a-۵۷b.

۱. الوندزاده در بار نخست تصدی منصب بیگلربیگی، اقدام به تعمیر و مرمت مرقد امام حسین (ع) و احداث مرقد شیخ عبدالقادر گیلانی کرد، ر. ک: مقدمهٔ حمزه اوزومجو، ص ۹ (زیرنویس).
 ۲. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ امیرسجاد، ر. ک: مقدمه اوزومجو، ص ۲۱.
 ۳. نیازی، برگ ۷۰a-۷۴.

۴. الوندزاده در بار نخست تصدی منصب بیگلربیگی، اقدام به تعمیر و مرمت مرقد امام حسین (ع) و احداث مرقد شیخ عبدالقادر گیلانی کرد، ر. ک: مقدمهٔ حمزه اوزومجو، ص ۹ (زیرنویس).
 ۵. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ جنگ‌های ایران و عثمانی در دورهٔ مراد سوم و شاه محمد



است. جدای از این‌ها، در لابه‌لای این اثر، به مطالب ارزشمندی درباره برخی شهرها و نقاط عراق عرب و خوزستان نیز می‌توان برخورد. محض نمونه نویسنده در ذیل عنوان «احوال شهر دز فول بشنو چگونه بود» به بیان توضیحاتی درباره موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های این شهر پرداخته است.^۲

ظفرنامه‌ی علی پاشا حاوی اطلاعات ریز و جزئی از یک برهه زمانی کوتاه از برخوردهای نظامی ایران و عثمانی در منطقه عراق عرب و خوزستان است. منابع فارسی فاقد چنین اطلاعاتی است. از این رو، به ویژه برای آگاهی از تاریخ خوزستان اهمیت بسیار زیادی دارد.

ظفرنامه نخستین بار از سوی حمزه اوزومجو به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در سال ۲۰۰۸م، در دانشگاه قوجه تپه افیون قره حصار تصحیح^۳ و در ۲۰۱۰م، نیز منتشر شده است. مصحح تصحیح را بر مبنای یگانه نسخه موجود در

۲. نیازی، برگ ۴۱۵.

3. Hamza Üzümcü, *Zafername-i Ali Paşa (Transkript ve Değerlendirme)*, Yüksek lisans Tez, Afyonkarahisar Kocatepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Nisan 2008, S. 104.

۲۹. ظفرنامه‌ی علی پاشا. چنان‌که اشاره شد، نیازی که به

عنوان کاتب در اردوی عثمانی حضور داشت، با نگارش اثری به نام ظفرنامه‌ی علی پاشا، رویدادهای مربوط به برخوردهای ایران و عثمانی در ۹۹۱ق را در قالب غزنامه‌نویسی عثمانی^۱، به خوبی ثبت و ضبط نمود. این تک‌نگاری اختصاصی بهترین منبع برای آگاهی از اقدامات بیگلربیگی بغداد، الوندزاده علی پاشا در جبهه‌های جنگ عراق عرب بر ضد صفویان است. از این رو حاوی آگاهی‌های دست اول از برخوردهای نظامی دو طرف در منطقه‌ی عراق عرب و خوزستان در ۹۹۱ق است. نویسنده با سبکی شیوا و زیبایی ساده به نظم و نثر اقدام به نوشتن ظفرنامه کرده است. مؤلف در جای جای این اثر از نظم و نثر فارسی استفاده کرده چنان‌که با یک مثنوی فارسی، عربی و ترکی ظفرنامه را آغاز کرده است. همین امر نشان می‌دهد که نویسنده به هر سه زبان مسلط بوده است. در این اثر شش مکتوب منظوم و مثنوی فارسی نیز به چشم می‌خورد. از جمله:

۱. نامه حاکم عراق عرب، امیر سجاد، به بیگلربیگی بغداد، الوندزاده علی پاشا، به نظم فارسی.

۲. نامه الوندزاده به امیر سجاد، به نظم فارسی.

۳. نامه امیر سجاد به الوندزاده، به نثر فارسی.

۴. نامه امیر سجاد به اسکندر خان افشار برای طلب امداد از او، به نظم فارسی.

۵. نامه اسکندر خان افشار به حاکم وراق (?)، به نثر فارسی.

۶. نامه اسکندر خان افشار به امیر جهانگیر و شاه رستم، به نثر فارسی.

جز موارد مذکور، تقریباً هیچ صفحه‌ای از ظفرنامه نیست که در آن بیتی یا ابیاتی از مؤلف و یا دیگر شاعران پارسی نباشد. ضمن آنکه عنوان‌های مطالب نیز همانند بسیاری از منابع عثمانی به زبان فارسی است. نویسنده در این اثر، فارسی و ترکی را مثل شیر و شکر درهم آمیخته است. بنابراین، ظفرنامه به جز اهمیتی که در روشن کردن جنگ‌های ایران و عثمانی در دوره مراد سوم و شاه محمد خدابنده دارد، از حیث میزان نفوذ زبان فارسی در زبان ترکی در دوره مذکور نیز حائز اهمیت

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره، ر.ک: تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، مقاله‌های جی. ال. لوئیس و چتین سونگور.

یکی زنده نگذارم از صد هزار
باشان نمایم رد کارزار
که مانند رستم زمین یادگار
مسلم شود شاهی این دینار
وگر فتح شوشتر بود میل تو
بگر ترک و بکنز ازین نفل تو
که حالا قزلباش چندین هزار
بشوشوشتر گرفته سراسر قرار
اگر لشکرت هست پیش از شمار
توانی بایشان کبی کارزار

وگرد رشمار آید این عسکرت
بخود شدن مال با لشکرت
نکویی که سجاد با مانگفت
که راز قزلباش ازمانگفت

نصیحت بگفتم شیندی دگر
اگر خود ببی به بینی هنر

22-a

وصول نامه سجاد پیش آن سرور

Ol mahzâr-ı gazâb-ı Rabbânî kahr-ı Yezdânî sâni-i iblis ve iblis-i sâni a'nî ol re'is-i kavm-i zulûm bî-dîn ve bed-mezheb terk-i edeb idüb nâmesini ol cenâb-ı âli-câh hîdmetine revâne eyledi. Çün Resûl-nâme-i nâ-makbûli ol bu el-fuzûl cânibnden pâşâ-yı kâmkâr hîdmetlerine vâsil eyledi. Pâşâ-kâm-bâhş nâmesine nazar idüb gördi ki derûn-u pür-kîne gibi künesi pür-kînesi pür-sekîne pür-sekîne pür-kînesi gibi künesi pür-kînesi mekrden memû satırları 'ahd-ü peymânî gibi geç ve nâ-hem-vâr ve harfleri hâtrî gibi müşevveş-ü bî-hencâr mazmûnundan habîr ve 'uyûbuna basîr olacak tiğ-î berk-efrûz gazâbî tîz ve sâ'ika-i 'âlem-sûz hamiyeti âteş-rîz olub lakin kat-i resûl vaz'-ı makbûl olmaduğî haysiyetden gayzların kazım-u gazâbların hezîm eyledi.

22-b

مصحت کردن پاشا بخصوص سجاد

Ol gül-i gülîstân 'izz-ü devlet ve besr-i büsitân feth-ü nusret fi'l-hâl divân idüb ümerâ-yı şevket-medâr ile bu husûsda müşâvere itdîkke her biri semen-bâd pâ-y-ı fikri meydân-ı

که ای جانشین خلیل زمان
و ای یادگار مهان جهان
ایا میوه باغ افشاریان
.....

اگر کردهام با تو صد ماجرا
گناهم بیخشم امضی ما مضی
ز لطف تو دارم من این یآوری
که با من کنی ترک کین آوری
به عشق امامان اثنی عشر
به عشق خدا بنده چشم ظفر^۲

ببندی به صلح کمردر میان
ستانی توحیف (؟) من از رومیان
که من دافع جنگ تو بودهام
ز کین و ز پیکار نغنودهام
به قید هنر بندشان کردهام
به دام حیل صیدشان کردهام
به صد خدعه از آمدن داشتم
به صد حيله و مکر نگذاشتم
که در سمت شوشتر توجه کنند
.....

... بیتکارم (؟) از ایشان الم
به عمرم ندیدم از ایشان ستم
به ایشان کنون جنگ و تیرو تبر
شده باعثم دین اثنی عشر
دگر غیرت جار و همسایگی
نکویی که کردست بیگانگی
ز من بشنوای صاحب رای و هوش
که در گفتن این سخن، دار گوش
چو پاشا کند فتح این مرز و بوم
شود نوبت حکم بر اهل روم

استنساخ شده است، ولی با توجه به معنا و وزن اصلاح شد، در جایی که شک بود، علامت سؤال (؟) آورده شد.
۳. اشاره به شاه محمد خدا بنده است که نابینا بود!

کتابخانه ملت فاتح به شماره ۳۹۶ انجام داده است.^۱ مصحح متأسفانه تصویر نسخه خطی را در پایان نیاورده و تنها به بازنویسی آن به خط لاتینی اکتفا کرده است. از آنجا که مصحح آشنایی کافی با زبان فارسی نداشته، تقریباً بیشتر واژه‌های فارسی را غلط استنساخ کرده است. برای نگارنده امکان دسترسی به متن چاپ این اثر حاصل نشد، آگاهی‌های حاضر بیشتر برگرفته از متن پایان‌نامه است که به صورت pdf در اینترنت موجود است. در پایان، برای آشنایی خوانندگان محترم با اشعار فارسی ظفرنامه، نمونه‌ای از اشعار ذکر می‌شود:

«فرستادن سجاد نامه به این مضمون به اسکندر خان افشار و به امداد طلب کردنش»^۲

۱. بنا به آگاهی مندرج در دایرة المعارف تاریخ‌نگاری جهان اسلام (ص ۷۵۸) در برخی کتابخانه‌های دیگر نیز نسخه‌هایی از این اثر موجود است، ر.ک:
Niyazi, *Zafname-i 'Ali Pasha*, Millet, 'Ali Emiri, p. 369. The Nur-i Osmaniye, MS. 3080 in the Chester Beatty Library (No. 402). Pasha, Jevdet, *Tarikh Tertib-i jedid*, Istanbul, 1302, I, p. 4.
۲. نیازی برگ ۵۲a-۵۳b. گفتنی است که برخی کلمه‌های ابیات مذکور به غلط

بخصوص سجاد (۲۲b)، طلب کردن پاشانیک نهاد دبیر صافی اعتقاد را به سجاد نامه نوشتن (۲۳b)، بیان بعضی از اوصاف قبیح سجاد و ظاهر شدن عداوت او شه (۲۹a)، به این مضمون به سجاد نامه بنوشت (۳۱a)، خلاص شدن سجاد از قید غم و آراسته کردن مجلس بزم (۳۶b)، توجه کردن پاشا به دزفول (۳۹b)، گذشتن عسکر از آب دزفول و تدبیر ساختن سردار دولتمدار و منکوب شدن آن ملعون... (۴۰a)، احوال شهردزفول بشنو چگونه بود (۴۱b)، وصول نامه آن جارچی به این سرور (۴۴b)، بعضی از افکار آن ملعون شنو (۵۰a)، فرستادن سجاد نامه به این مضمون به اسکندر خان افشار و به امداد طلب کردنش (۵۲a)، نصیحت کردن دزفولیان سجاد ملعون را (۵۳a)، وصول نامه سجاد پیش اسکندر (۵۴a)، صورت مکتوبی که به حاکمان لرستان نوشته شده بود (۵۵a)، جهاد اکبر پاشای غازی (۶۱a)، رفتن پاشا به میدان و مبارز خواستنش (۶۲b)، به میدان رفتن پاشا دوم بار (۶۴b)، رفتن آن شیر معرکه کارزار به میدان و کشتن چهار نفر از مُشه کان (؟) (۶۵a)، ذکر تسخیر قلعه دهنو (۶۹a)، فتح کمال آباد بشنو چگونه بود (۷۲a)، رفتن عسکر منصوره به حوزه [حوضه] حویزه و از آنجا متوجه شدن بغداد (۷۳b)، عزم پاشا به جانب بغداد (۷۴b)، مضطرب گشتن اتباع و اولاد عسکر منصوره از اخبار... (۷۵a)، آمدن بشارت نوید و خوشحال... (۷۶b)، آمدن چاوش با هوش و آوردن مقرر، نامه باغداد [بغداد] جهت آن سردار با عدل و داد (۷۹b)، در خاتمت کتاب گوید (۸۰b).

منابع

ابوبکر بن عبدالله، تاریخ عثمان پاشا (شرح لشکرکشی عثمانی به قفقاز و آذربایجان - تصرف تفلیس، شروان و تبریز ۹۸۶ - ۹۹۳)، به کوشش یونس زیرک، ترجمه از ترکی عثمانی و...، نصرالله صالحی، تهران: طهوری، ۱۳۹۲ ش.

تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲ ش.

Hamza Üzümcü, *Zafername-i Ali Paşa* (Transkript ve Değerlendime), Yüksek lisans Tez, Afyonkarahisar Kocatepe Üniversitesi Sosyal Billimler Enstitüsü, Nisan 2008, S. 104.

دهد مذهب سنیان را رواج
 دگر کی توانیم کردن علاج؟
 گر اعداد این جیش رومی دثار
 به هر سی هزاری بود هنر ده کار (؟)
 ولیکن همه پر زر و زیورند
 چو تجار صاحب زر و گوهرند
 کنون وقت مردی و زور آوری ست

 به امداد من سازند آهنگ در جنگ تو
 رود قلعه شوشتر از چنگ تو
 چو ایشان به شوشتر بسازند جای
 به قزوین رسانند بانگ درای
 بکن کارزاری با بد رومیان (؟)
 که بسیار ستم کرده به ایرانیان (؟)
 چو گردی تو غالب ز پیکارشان
 شکسته شود از تو بازارشان
 چو زیشان ستانی تو طوپ و تفنگ
 رسائی سرخویشتن بر فلک
 به دست آوری مال و قارون شوی
 به مال و به حشمت فریدون شوی
 به دست آوری مال خروارها
 بدان مال سازی بسی کارها
 به راه علی کن چنان کارزار
 که ماند ز تو در جهان یادگار

فهرست مطالب این اثر مختصر و مفید از این قرار است:

[آغاز کتاب]: نام این گوهر فرح افزا *** شد ظفرنامه علی پاشا (۱b)، باعث نظم این ظفرنامه (۳a)، عزم پاشا به سوی ینکیجه (۱۶b)، عزم آن شهسوار خوزستان به جانب خوزستان و مظفر گشتن بر اعدای دین و عصیان نمودن سجاد لعین (۱۹b)، طلب کردن سجاد دبیرش را و انشا کردن نامه به این مضمون... (۲۱a)، وصول نامه سجاد پیش آن سرور (۲۲a)، مصلحت کردن پاشا